





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

عنوان:

**بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان
مورد: دانشجویان دانشگاه قم**

استاد راهنما: دکتر محمد حسین پناهی

استاد مشاور: دکتر محمد ابراهیم موحدی

دانشجو: ابوذر رحیمی رستم‌آبادی

سال تحصیلی

۱۳۸۸-۱۳۸۹

اکنون که به لطف خداوند این رساله به سرانجام رسید بر خود لازم می‌دانم از استاد راهنمای ارجمندم جناب آقای دکتر حسین پناهی و استاد مشاور عزیزم دکتر محمد ابراهیم موحدی کمال تشکر را نمایم، چرا که بدون راهنمایی‌های ارزنده این بزرگواران انجام این رساله ممکن نبود. و از همسر مهربانم که با دلگرمی‌های خود مشوقم در انجام این کار بود بسیار سپاسگذارم. همچنین از دوست بسیار گرامیم آقای اصغر کاظمی، که در انجام این رساله اینجانب را یاری نموده‌اند کمال قدردانی را می‌نمایم.

**تقدیم به دو اسطوره زندگی
پدرم و مادرم**

چکیده

موضوع تحقیق حاضر بررسی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی دانشجویان است. حجم نمونه این تحقیق ۳۵۷ نفر از دانشجویان دانشگاه قم بوده که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده انتخاب شده و داده‌ها از آنها گردآوری شده است. در این پایان‌نامه ابتدا به بررسی مفهوم مشارکت، مشارکت سیاسی و انواع آن، مفهوم هویت و انواع آن پرداخته و سپس مدل سلسله مراتبی لستر میلبراث را به لحاظ کلی و مفید بودن آن جهت سنجش میزان مشارکت سیاسی، انتخاب کردیم. پس از بررسی نظریه‌های نظریه‌پردازان حوزه مشارکت سیاسی و هویت ملی و فرهنگ سیاسی در نهایت نظریه بحران‌های لوسین پای به عنوان چارچوب نظری مناسب این تحقیق انتخاب گردید، و بر اساس آن فرضیه‌های تحقیق مطرح شد. به علاوه، متغیرهای فرهنگ سیاسی، مشروعیت سیاسی، طبقه اجتماعی و رضایت از عملکرد نظام به عنوان متغیر کنترل انتخاب شدند تا تأثیر آن را بر رابطه بین هویت ملی و مشارکت سیاسی سنجیده شود.

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات بیانگر این است که بین دو متغیر هویت ملی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و شدت آن در حد متوسط به بالا می‌باشد. برای هویت ملی ابعاد سرزمینی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و دینی در نظر گرفته شد، و رابطه هر یک با مشارکت سیاسی، به عنوان فرضیات فرعی مورد آزمون قرار گرفت، که از بین آنها تنها ابعاد تاریخی و فرهنگی دارای رابطه معنی‌داری با مشارکت سیاسی نبودند. از بین متغیرهای کنترل، متغیرهای مشروعیت سیاسی و طبقه اجتماعی در رابطه بین هویت ملی و مشارکت سیاسی تأثیر گذار بودند.

فهرست کلی عناوین

فصل اول کلیات تحقیق

فصل دوم: مبانی نظری

فصل سوم: روش‌شناسی

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات

فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری

منابع

ضمائم

۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	طرح مسأله
۴	هدف و ضرورت انجام تحقیق
۶	پیشینه تاریخی موضوع
۸	مروری بر تحقیقات انجام شده
۱۷	جمع بندی تحقیقات تجربی
۱۸	نگاهی اجمالی به جایگاه این تحقیق
۲۱	فصل دوم: مبانی نظری
۲۲	مقدمه
۲۲	مشارکت و ویژگی های آن
۲۵	انواع واشکال مشارکت سیاسی
۳۱	نظریه های فرهنگ سیاسی
۳۷	نظریه بحران های سیاسی
۴۳	نظریه های مشارکت سیاسی
۴۳	رویکرد روان شناختی
۴۵	رویکرد مدرنیزاسیون
۵۲	نظریه های هویت ملی
۵۳	تعریف هویت
۵۴	انواع هویت
۵۷	چهارچوب نظری
۶۸	فرضیات تحقیق
۶۹	مدل نظری

۷۰	فصل سوم: روش شناسی
۷۱	مقدمه
۷۱	تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق
۹۱	اعتبار و پایایی
۹۲	روش نمونه‌گیری
۹۲	روش تحقیق
۹۲	جامعه آماری
۹۳	نمونه آماری
۹۴	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل اطلاعات
۹۵	مقدمه
۹۵	بخش اول: آماره‌های توصیفی
۹۵	توصیف متغیرهای زمینه‌ای
۹۵	توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت
۹۶	توزیع فراوانی سن پاسخگویان
۹۶	توصیف متغیر وابسته
۹۷	توزیع فراوانی علاقه پاسخگویان به سیاست
۹۸	توزیع فراوانی شرکت پاسخگویان در گفتگوهای سیاسی
۹۸	توزیع فراوانی عضویت پاسخگویان در سازمانهای سیاسی
۹۹	توزیع فراوانی عضویت پاسخگویان در سازمانهای شبه سیاسی
۱۰۰	توزیع فراوانی مشارکت منفی پاسخگویان
۱۰۱	توزیع فراوانی دفعات شرکت پاسخگویان در انتخابات و راهپیمایی‌ها
۱۰۲	توزیع فراوانی شاخص مشارکت سیاسی پاسخگویان
۱۰۲	توصیف متغیرهای مستقل و کنترل
۱۰۳	توزیع فراوانی بعد اجتماعی هویت ملی پاسخگویان
۱۰۴	توزیع فراوانی بعد دینی هویت ملی پاسخگویان
۱۰۵	توزیع فراوانی بعد فرهنگی هویت ملی پاسخگویان
۱۰۶	توزیع فراوانی بعد سرزمینی هویت ملی پاسخگویان
۱۰۷	توزیع فراوانی بعد سیاسی هویت ملی پاسخگویان

۱۰۷	توزیع فراوانی بعد تاریخی هویت ملی پاسخگویان
۱۰۸	توزیع فراوانی میزان هویت ملی پاسخگویان
۱۰۹	توزیع فراوانی شاخص طبقه اجتماعی پاسخگویان
۱۱۰	توزیع فراوانی میزان مشروعیت سیاسی پاسخگویان
۱۱۱	توزیع فراوانی میزان عملکرد یا کارایی نظام پاسخگویان
۱۱۲	توزیع فراوانی موافقت پاسخگویان با ارزشهای منتخب
۱۱۳	توزیع فراوانی موافقت پاسخگویان با وضع فعلی نظام و مسئولان سیاسی
۱۱۴	توزیع فراوانی میزان فرهنگ سیاسی پاسخگویان
۱۱۵	توزیع فراوانی نگرش پاسخگویان درباره دنیای سیاست
۱۱۶	بخش دوم: آزمون فرضیات
۱۱۶	بررسی فرضیه: رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی پاسخگویان
۱۱۸	بررسی فرضیه: رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل فرهنگ سیاسی
۱۲۰	بررسی فرضیه: رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل طبقه اجتماعی
۱۲۲	بررسی فرضیه: رابطه هویت ملی و مشارکت سیاسی با کنترل مشروعیت سیاسی
۱۲۴	بررسی فرضیه: رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل عملکرد نظام
۱۲۶	بررسی فرضیه: رابطه بین ابعاد هویت ملی با مشارکت سیاسی
۱۲۷	خلاصه فصل چهارم
۱۲۸	فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری
۱۲۹	مقدمه
۱۲۹	یافته‌های توصیفی
۱۳۰	یافته‌های تبیینی
۱۳۲	مروری بر مباحث نظری
۱۳۶	محدودیت‌های تحقیق
۱۳۶	پیشنهادات پژوهشی

فهرست منابع

ضمائم:

پرسشنامه

فهرست جداول

- جدول (۱): توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت..... ۱۰۴
- جدول (۲): توزیع فراوانی سن پاسخگویان..... ۱۰۵
- جدول (۳): توزیع فراوانی و درصد علاقه پاسخگویان به سیاست..... ۱۰۶
- جدول (۴): توزیع فراوانی و درصد شرکت پاسخگویان در گفتگوهای سیاسی..... ۱۰۷
- جدول (۵): توزیع فراوانی و درصد عضویت پاسخگویان در سازمانهای سیاسی..... ۱۰۸
- جدول (۶): توزیع فراوانی و درصد عضویت پاسخگویان در سازمانهای شبه سیاسی..... ۱۰۹
- جدول (۷): توزیع فراوانی و درصد مشارکت منفی پاسخگویان..... ۱۱۰
- جدول (۸): توزیع فراوانی و درصد دفعات شرکت پاسخگویان در انتخابات و راهپیمایی ها..... ۱۱۱
- جدول (۹): توزیع فراوانی و درصد شاخص مشارکت سیاسی پاسخگویان..... ۱۱۲
- جدول (۱۰): توزیع فراوانی و درصد بعد اجتماعی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۳
- جدول (۱۱): توزیع فراوانی و درصد بعد دینی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۴
- جدول (۱۲): توزیع فراوانی و درصد بعد فرهنگی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۵
- جدول (۱۳): توزیع فراوانی و درصد بعد جغرافیایی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۶
- جدول (۱۴): توزیع فراوانی و درصد بعد سیاسی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۷
- جدول (۱۵): توزیع فراوانی و درصد بعد تاریخی هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۸
- جدول (۱۶): توزیع فراوانی و درصد میزان هویت ملی پاسخگویان..... ۱۱۹
- جدول (۱۷): توزیع فراوانی و درصد شاخص طبقه اجتماعی پاسخگویان..... ۱۲۰
- جدول (۱۸): توزیع فراوانی و درصد میزان مشروعیت سیاسی پاسخگویان..... ۱۲۱
- جدول (۱۹): توزیع فراوانی و درصد میزان عملکرد یا کارایی نظام پاسخگویان..... ۱۲۲
- جدول (۲۰): توزیع فراوانی و درصد موافقت پاسخگویان با ارزشهای منتخب..... ۱۲۳
- جدول (۲۱): توزیع فراوانی و درصد موافقت پاسخگویان با وضع فعلی نظام و مسئولان سیاسی..... ۱۲۴
- جدول (۲۲): توزیع فراوانی و درصد میزان فرهنگ سیاسی پاسخگویان..... ۱۲۵
- جدول (۲۳): توزیع فراوانی و درصد نگرش پاسخگویان درباره دنیا سیاست..... ۱۲۶
- جدول (۲۴): جدول تقاطعی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی پاسخگویان..... ۱۲۷
- جدول (۲۵): رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل فرهنگ سیاسی..... ۱۲۹
- جدول (۲۶): جدول رگرسیونی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل فرهنگ سیاسی..... ۱۳۰
- جدول (۲۷): رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل طبقه اجتماعی..... ۱۳۳

- جدول (۳۰): جدول رگرسیونی رابطه هویت ملی و مشارکت سیاسی با کنترل مشروعیت سیاسی... ۱۳۴
- جدول (۳۱): رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل عملکرد نظام..... ۱۳۵
- جدول (۳۲): جدول رگرسیونی رابطه هویت ملی با مشارکت سیاسی با کنترل رضایت از عملکرد نظام..... ۱۳۶
- جدول (۳۳): رابطه بین ابعاد هویت ملی با مشارکت سیاسی..... ۱۳۷

فصل اول: کلیات تحقیق

طرح مسأله

موضوع مشارکت و چگونگی آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملتها دارد و امروز این مفهوم اهمیت دو چندانی پیدا کرده و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشه‌گران و صاحب‌نظران بوده است. به نظر برخی از صاحب‌نظران، محور اصلی انواع توسعه بر پایه مشارکت مردمی استوار است.

بنابراین، به جرأت می‌توان توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را مقید و مشروط به امر مشارکت مردمی دانست؛ زیرا در توسعه، هدف ظهور قابلیت‌های افراد در دو سطح حیات فردی و حیات اجتماعی است، و این ظهور و بروز تنها در اثنای مشارکت محقق می‌شود. از طرفی پیش شرط هرگونه مشارکتی، ایجاد و فراهم‌سازی شرایط مناسب برای ظهور توانایی‌های نظری و عملی اقدار جامعه است. زیرا مردم در اجرای تصمیماتی که خود در تعیین آنها نقش داشته، برنامه‌ریزی کرده و آن را کنترل و ارزیابی کنند، مشارکت فعال و هدفمندی خواهند داشت.

یکی از انواع مهم مشارکت، مشارکت سیاسی است که مورد علاقه جوانان به ویژه دانشجویان می‌باشد. دانشجویان با توجه به جوان بودن آنها که عمده‌ترین ویژگی این سن داشتن هیجان‌ها و انرژی‌های بالا است می‌خواهند، این انرژی و هیجان انباشته را درجایی تخلیه کنند، از این رو سن دانشجویی سن مقتضی تحرک و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی است. و از طرفی دانشجویان با معرفت‌ها و اطلاعات تازه سروکار دارد و از لحاظ روشی نیز متد انتقادی و تحلیلی را دنبال می‌کند. پرسش‌گر و انتقادگر است و این موجب می‌شود که دانشجویان به عنوان محور اصلی تحركات اجتماعی و سیاسی شناخته شود.

زمانی یک دانشجوی قادر خواهد بود، برای سامان دادن به مدیریت نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کارایی مطلوب و مؤثری داشته باشد که همگام با کسب دانش‌های روز، نسبت به موضوعات اساسی کشور و نحوه مدیریت آن، حساسیت لازم را داشته باشد و از نزدیک با مشکلات و مسایل اجتماعی و سیاسی جامعه خود نیز آشنا شود و عملاً مشکلات را شناسایی کند و راه رسیدن به این مقصود، حضور و مشارکت فعال دانشجویان در دل اجتماع است و در صورت آگاهی از مناسبات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن احساس مسئولیت برای هدایت جامعه و انسان است که در نهایت یافتن راه درمان دردها با استمداد از آموخته‌ها و تجربیات نظری و علمی برای دانشجویان میسر است.

اساساً هر انسانی برای داشتن نظام حکومتی مورد علاقه خود نیازمند به مشارکت سیاسی بوده و بدون حضور فعال در عرصه سیاست جایگاه مناسب خود را نمی‌تواند بیابد. از سوی دیگر ضرورت حکومت مطلوب و پشتیبانی از آن مشارکت همه جانبه را می‌طلبد. همچنین مشارکت

سیاسی نمایانگر وظیفه‌شناسی و وفاداری افراد به نظام سیاسی است و مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. اما مشارکت در زندگی جمعی و در گروه‌ها و سازمانهای اجتماعی، از جمله شوراهای و احزاب و انتخابات، ارتباط نزدیکی با هویت جمعی و بالخصوص هویت ملی افراد دارد.

به نظرمی رسد، تمایل و اقدام به مشارکت سیاسی تمامی اقشار تشکیل دهنده یک جمعیت در درون مرزهای ملی نیز بستگی تنگاتنگی با مسئله هویت ملی دارد، زیرا هویت ملی است که اصول و بنیادهای مشترک دیر پای مردم یک سرزمین را که برگرد آن وحدت پیدا می‌کنند، نشان می‌دهد. هنگامی که این بنیادهای تشکیل دهنده هویت ملی یک جامعه مشخص شود، می‌توان بر اساس آن چهارچوبی از برنامه توسعه سیاسی را استوار ساخت که تعیین کننده مشارکت تمامی مردم ساکن آن سرزمین باشد. بدین ترتیب نمی‌توان بدون توجه به مسئله مهم هویت ملی انتظار تلاش برای رسیدن به وحدت ملی و توسعه اقتصادی-سیاسی داشت، چرا که در این صورت بنیادهای اساسی مشترک مردمان یک سرزمین که باید بر پایه آنها طرح وحدت ملی و توسعه سیاسی و اقتصادی را ریخت روشن نیست.

بدین ترتیب با تقویت هویت ملی ایرانی است که می‌توان زمینه مشارکت جوانان و افراد تحصیلکرده را در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تضمین کرد و بدین طریق وحدت ملی را تحقق بخشید. از سوی دیگر تقویت فراگیر هویت ملی موجب جذب همه ایرانیان فارغ از هر تعلق دینی، زبانی و قومی می‌شود و زمینه مشارکت همه جانبه آنها را برای بازسازی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران فراهم می‌سازد. در مقابل، فقدان یا ضعف هویت ملی موجب می‌گردد که جوان در شناخت نیازهای جامعه و جایگاه و مسولیت خویش دچار ابهام و سرگردانی گردند. بحران در هویت ملی و نبود شخصیت اجتماعی استوار زمینه را برای گرایش جوانان به سمت و سوی نامطلوب فرهنگی و اجتماعی فراهم آورده و رویگردانی آنان را از هنجارهای سازنده اجتماعی سبب می‌شود.

به علاوه، به نظر می‌رسد ضعف هویت ملی در جوانان زمینه‌های تخریب رفتار اجتماعی را سبب گردد؛ چرا که نخستین مرحله از حضور جوانان در عرصه‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی عبارت است از ایمان و باور پایدار به مجموعه‌ای از ارزشها و هنجارها که بتوانند به گونه‌ای طولانی و مقاوم پشتیبان رفتار و کنش اجتماعی فرد گردند. در شرایط فقدان و یا کاهش هنجارهای درونی شده که معمولاً با نشانه‌های بی‌هویتی همراه است فرد استقلال عمل و قدرت تصمیم‌گیری برای مداخله مثبت در شرایط محیطی را از دست خواهد داد. در چنین وضعیتی عوامل مهاجم بیرونی براحتی قادرند با تاثیرگذاری مداوم مانع از پرورش شخصیت مستحکم و سازنده ملی در فرد گردند.

بنابراین، از جمله خطراتی که در شرایط کنونی متوجه پرورش و رشد شخصیت ملی جوانان خاصه دانشجویان می‌باشد، تضعیف مبانی هویت ملی آنان است. فضای پر ابهام در قبال نقش و وظایف جوانان و دانشجویان از یک سو، کاهش کارکرد الگوهای فرهنگی موجود از سوی دیگر، و امواج تهاجمی فرهنگ غربی روز بروز زمینه‌های گسست دانشجویان از پیوندهای ملی را فراهم می‌کند. شاید مستقیم‌ترین نتایج حاصل از کاهش تعلق ملی بی‌تفاوتی در قبال میراث فرهنگی و اجتماعی، خودباختگی در قبال سایرین و رویگردانی از فرهنگ خودی باشد. به دنبال سست شدن مبانی هویت ملی، جوانان و دانشجویان از مشارکت سیاسی رویگردان شده و در لاک زندگی فردی خود فرو می‌روند، که می‌تواند مشکلات متعددی را برای کشور به وجود آورد. در کل می‌توان گفت احتمال دارد وضعیت هویت ملی دانشجویان که در طول دوره اجتماعی شدن و شکل‌گیری شخصیت آنان مشخص می‌شود، در احساس نقش و وظیفه سیاسی و ملی دانشجویان و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنان اثر گذاشته و در بلند مدت منشاء نتایج نامطلوب زیادی برای کشور گردد. لذا ضرورت دارد این موضوع مورد مطالعه دقیق قرار گیرد، تا وضعیت این رابطه مشخص‌تر گردد. سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا بین کم و کیف تعلق دانشجویان به هویت ملی و مشارکت سیاسی آنان ارتباط وجود دارد یا خیر؟ برای پاسخ گویی به این سؤال لازم است سطح و دامنه هویت ملی و مشارکت سیاسی دانشجویان مشخص شود؟ بنابراین این پژوهش در پی آن است تا با بررسی‌های نظری و تجربی، و سنجش ابعاد مختلف هویت ملی و مشارکت سیاسی دانشجویان، ارتباط آنها را با هم مورد بررسی قرار دهد.

هدف و ضرورت انجام تحقیق

انتخاب، سازوکار اصلی برای تحقق اصل حاکمیت مردمی است. قدرت نهایی از آن مردم است و مردم این قدرت را از طریق فرایند مشارکت سیاسی به نمایندگان دولت واگذار می‌کنند. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند. از این رو مشارکت باعث می‌گردد تا متصدیان امور در مقابل ملت پاسخگو و مسئول باشند. تافلر در بیان ضرورت مشارکت اشاره می‌کند: نخبگان هر قدر هم که روشن‌اندیش باشند، باز به تنهایی قادر به ایجاد تمدنی جدید نیستند. ایجاد تمدنی جدید مستلزم نیروی همه انسان‌هاست. در واقع مصلحت دولت و دولتمردان از مصلحت مردم و جامعه جدا نیست و از طرفی مطالعه عوامل تداوم‌بخش مشارکت این نکته را مشخص می‌سازد که مشارکت مردم در روند سیاست‌گذاری شرط لازم برای کسب اطمینان است. اگر چه دولت دارای حق انحصاری استفاده از قدرت است اما شهروند باید آزاد باشد تا مسئولیت بپذیرد و در شکل دادن به زندگی خود نقش فعالی بازی کند و این فعلیت فرد را از حالت رعیت به شهروند ارتقاء می‌دهد. این دگرگونی به برکت مشارکت

حاصل شده و زمینه را برای اخلاق مدنی و احساس مسئول بودن شهروندان می‌سازد. در نهایت می‌توان گفت که مشارکت با فراهم آوردن زمینه‌های رشد دو جانبه مردم و دولت که نماینده آنان است و با توجه به نقش آن در توسعه پایدار و ایجاد کانالهایی جهت ارائه قانونی خواست‌ها و فرصت دادن به توده‌هایی که به آگاهی سیاسی دست یافته‌اند و خواهان دخالت در تعیین سرنوشت خود هستند، مطالعاتی از این نوع را می‌طلبد. جامعه ایرانی به عنوان جامعه‌ای در حال پویا و پیمایش مسیر توسعه ناچار است فضایی را آماده کند که در آن تمام مردم بتوانند شرکت کنند. و این مسأله با توجه به ترکیب سنی مردم ایران که اکثریت آن را جوانان تشکیل می‌دهند از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد و این اهمیت برای قشر تحصیلکرده و دانشجویان به عنوان افرادی آگاه و متخصص که زمانی باید در پستهای کلیدی جامعه به خدمت مشغول شوند دوچندان می‌باشد. دخالت این قشر در فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نه تنها ضروری بلکه مطلوب است و به بهبود شرایط شغلی و اقتصادی، آنان کمک می‌کند. و بدون شک برای کشوری جوان، فرایند بررسی «مشارکت سیاسی» باید در کانون توجه قرار گیرد، بنابراین توجه و اهتمام به مسایل جوانان و دانشجویان و مشارکت آنها در نهادها و مؤسسات توسعه‌ای همچنین انجام پژوهشهای راهبردی و زمینه‌سازیهی علمی و فکری لازم در این راستا امری شایان توجه است.

بدیهی است چنانچه نسل جوان و به خصوص دانشجویان دچار در جازدگی و انفعال گشته و مسوولیت خود را در قبال همگنان اجتماعی و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر آنها مورد غفلت قرار دهد، آینده اجتماعی و سیاسی کشور در معرض تهدید همه جانبه قرار می‌گیرد. جامعه ما نیازمند مردان و زنانی است که با اعتماد به نفس و آگاهی از هویت اجتماعی و فرهنگی خود توانایی انجام مسوولیت‌های سنگین‌تر را داشته باشند. در این میان شناخت فعالیتهای سیاسی دانشجویان، به دلیل اهمیت جایگاه این قشر در جامعه و آسیب‌پذیری آنها، ضروری به نظر می‌رسد. اهمیت ویژگیهایی چون تحول‌پذیری و قابلیت انعطاف و تطابق و رشد سریع، استعداد و تحرک جوانان باعث گردیده که بعضی از کشورهای در حال توسعه تربیت جوانان را عمده‌ترین مسئله آینده و در صدر برنامه‌های ملی خود قرار دهند. در مشارکت مردم در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی عوامل مختلفی مؤثر است با توجه به موضوع پژوهش و اهمیت هویت اجتماعی (ملی) که در کشور ما مسئولین و نخبگان بر روی آن بسیار تکیه می‌کنند، ضرورت می‌یابد نقش این عامل مهم (هویت ملی) را در مشارکت سیاسی دانشجویان مورد توجه و کندوکاو قرار دهیم.

پیشینه تاریخی موضوع

همواره مسأله مشارکت مردم و روش دخالت آنان در امور عمومی مدنظر اندیشمندان و دولتمردان بوده است. چگونگی مشارکت مردم در نظامهای مردم سالار از طرفی و محدود کردن آن در نظامهای خودکامه و تمرکزگرا از طرف دیگر، بستری فراهم آورده است تا اندیشمندان از زوایای مختلف به طرح موضوع پرداخته و پیرامون قبض و بسط مشارکت مردم به تفکر و تأمل بپردازند.

وقوع نوسازی در قرن هیجدهم و نوزدهم اروپا سؤالات چندی را مطرح ساخت. این سؤالات بیش از اینکه به موضوع حق مشارکت توده‌ها در حکومت مربوط باشد، بحثهای روشنفکرانه‌ای فراتر از این موضوع را برانگیخت. آیا توده‌ها، همانهایی که بر آنها حکومت می‌شود، اجازه دارند طوری تشکل یابند که بر حکومت تأثیر گذارند یا کسانی را که بر آنها حکومت می‌کنند را انتخاب نمایند؟ اگر اطاعت از اراده توده‌ها لازم باشد بر سر خیر مشترک چه خواهد آمد؟ آیا باید به توده‌ها اجازه ابراز عقاید داده شود، یا اینکه حکومت به جهت رعایت مصالح کل جامعه می‌تواند محدودیت‌هایی را اعمال نماید؟ سؤالاتی از این دست صرفاً به خاطر هر نوع نگرانی در فلسفه سیاسی مطرح نشده‌اند، بلکه بدلیل افزایش روز افزون شمار مردمی است که در اروپای غربی و امریکا خواهان مشارکت در زندگی عمومی هستند. نتیجه طرح این سؤالات تغییر یا فروپاشی نهادهای سیاسی در جهت همسازی و انطباق با اشکال جدید فعالیت سیاسی بوده است (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

در کشورهایی که معمولاً به عنوان دموکراسیهای پایدار در نظر گرفته می‌شوند، در بیشتر موارد، از پایان سده نوزدهم تا جنگ جهانی یکم به مردان حق رای داده شده، در حالی که رسیدن به حق رأی همگانی و برابر، از آن هم دیرتر بوده است (در آلمان ۱۹۱۹، سوئد در ۱۹۲۰، فرانسه در ۱۹۴۵، بریتانیا در ۱۹۴۸) و اما در اکثر دیگر نقاط جهان حق رأی، اگر هم در جایی معمول شده، تنها پس از پایان جنگ جهانی دوم بوده است. باتامور پس از ذکر این تاریخها می‌افزاید: بنابراین، در اواخر قرن بیستم به سختی می‌توان ادعا کرد. که نظامهای سیاسی جهان تجربه دموکراسی گسترده‌ای را، حتی به مفهوم محدود قانونی حق‌گزینش رهبران سیاسی با انتخابات آزاد بوسیله همه شهروندان بزرگسال نشان می‌دهند (باتامور، ۱۳۶۶: ۳۰).

در سده هیجدهم، ژان ژاک روسو با جمع میان دو مفهوم «شهروند» و «تبعه» گفته بود برای جمع این دو مفهوم و جلوگیری از سوء استفاده، لازم است هیأت سیاسی بر پایه اراده عمومی عمل کند. در واقع همه این فراز و نشیبها حکایت از دشواری تلفیق منافع شخصی با منافع عمومی و استدلال در مورد تقدم و تأخر یکی نسبت به دیگری دارد. از همین جاست که مباحث گوناگون در مورد موضوعاتی چون حق رأی، چگونگی رأی دادن، شرایط رأی دادن و انتخابات و غیره مطرح و

پایه‌های مشارکت سیاسی گذارده شده است. چنان که در اعلامیه حقوق بشر ماده ۱۵ در مورد حق تابعیت آورده‌اند:

(۱) هر کس حق برخورداری از تابعیت ملیت دارد. (۲) هیچ کس را نباید خود سرانه از تابعیت ملیت محروم کند.

و ماده ۲۱ در سه بند به حقوق سیاسی افراد اشاره می‌کند و تحقق آنها را منوط به مشارکت سیاسی می‌داند:

(۱) هر کس حق دارد که در حکومت کشور خود، خواه به گونه مستقیم و خواه به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب شوند، شرکت جوید.

(۲) هر کس حق دسترسی مساوی به خدمات عمومی را در کشور خود دارد.

(۳) اساس قدرت حکومت، اراده مردم است؛ این اداره باید در انتخاباتی ادواری و سالم ابراز شود که با حق رأی همگانی و مساوی و نیز با رأی مخفی یا روشهای رأی گیری آزاد مشابه برگزار شود (اعلامیه حقوق بشر، ۱۳۸۰).

در سده های اخیر با افزایش آگاهیهای عمومی، مشارکت سیاسی روند شتابان به خود گرفت و در نظامهای غربی با پیدایش انقلابهای اجتماعی مشروعیت بوروکراتیک رفته رفته جایگزین مشروعیت سنتی نظامهای پاتریمونیاال و فئودال شد. امروزه گرچه مشارکت و رقابت سیاسی به مهمترین گفتمان سیاسی تبدیل شده است، اما ماحصل تحولاتی درازمدت می‌باشد. در این فرایند اصل مشارکت پذیرفته شده، اما آنچه محل تنازع و تعامل قرار گرفته، نحوه اعمال آن است. از آنجا که تحقق دموکراسی واقعی به لحاظ ابزاری و فنی میسر نمی‌باشد، دموکراسی واقعی به تدریج از ایده‌آلهای خود عدول کرده و آنچه در عمل اجرا می‌شود، رقابت گروههای سیاسی است که در قالب احزاب مختلف متشکل گردیده است.

تحولات ناشی از انقلاب مشروطیت در ایران نه به عنوان سرآغاز استقرارنظام سیاسی دموکراتیک، اما به مثابه آغاز جلوه‌های از آن، از اهمیت خاصی برخوردار بود. نخستین بار در نهم سپتامبر ۱۹۰۶ بر اثر مبارزات مردم انتخابات مجلس برگزار شد درنخستین دوره مجلس نمایندگان از میان طبقات و اصناف شاهزادگان قاجار، روحانیون، بازرگانان، مالکان و صنعتگران برگزیده شدند. زنان، دهقانان، کارگران و بازرگانان خرده پا از حق انتخاب شدن محروم بودند. مهمترین دستاورد این مجلس تهیه قانون اساسی در پایان سال ۱۹۰۶ بود که مظفرالدین شاه به ناچار آن را امضاء کرد. از آن تاریخ تا کنون پروسه مشارکت سیاسی از فراز نشیبهای فراوانی برخوردار بوده است. از سال ۱۳۵۶ همزمان با روی آوردن رژیم گذشته به ایجاد فضای باز سیاسی که آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی را در پی داشت و نیز به موازات تضعیف موقعیت رژیم، گرایش به ایجاد جمعیتها و

تشکلهای سیاسی در کشور افزایش یافت. در چنین شرایطی نیروهای سیاسی مخالف رژیم که غالباً با سه گرایش متفاوت مذهبی و طرفدار خط امام، ملی- مذهبی و چپگرا والتقاطی به فعالیت می‌پرداختند، احیای تشکلهای سیاسی سرکوب شده و نیز ایجاد تشکلهای جدید را در دستور کار خود قرار دادند. در دوران جنگ تحمیلی، با توجه به از بین رفتن گروههای معاند و همچنین کاهش رقابت میان نخبگان سیاسی جامعه، انتخابات مهمترین تجلی گاه مشارکت سیاسی توده مردم در این مقطع زمانی به شمار می‌رود. در دوران پس از جنگ تحمیلی فعالیتهای تشکیلاتی و حزبی به شکل قابل توجهی گسترش یافت اما علی‌رغم تلاشهای صورت گرفته تشکلهای مزبور برای فراگیر شدن فعالیت حزبی در سطح جامعه، توقیف چندانی در این زمینه به دست نیامده و این گونه مشارکت از سطح نخبگان سیاسی فراتر نرفته است (بنی هاشمی، ۱۳۷۸).

مروری بر تحقیقات انجام شده

درخصوص ادبیات موضوعی این تحقیق باید اشاره نمود هر پژوهشی که توسط محقق آغاز می‌شود، قطعاً پیشینه مطالعاتی دارد بدین معنا که قبلاً تحقیقاتی که حداقل به طور جزئی یا غیر مستقیم به آن موضوع مرتبط باشند وجود دارد هر کار تحقیقی در پیوستاری جا می‌گیرد، در این معنا که از کارهای تحقیقی قبلی اثر پذیرفته و در کارهای بعدی اثر می‌گذارد. بنابراین طبیعی است که یک محقق با کارهای تحقیقاتی قبلی که درباره موضوعات مشابه صورت گرفته است، آشنایی حاصل کند و نسبت به وجود تشابه یا مفارقت کار خود با این (تحقیقات) جریانات فکری آگاهی پیدا کند (کیوی، ۱۳۸۵: ۳۸). بنابراین اولین کار هر محقق در فرایند اجرای یک تحقیق بررسی و مطالعه منابع موجود در آن زمینه است چرا که «ممکن است پژوهشهای پیشین مسأله را قبلاً به طور رضایت بخش روشن کرده باشند، بنابراین پژوهشگر آینده باید کار جامعه‌شناسان دیگر را در این حوزه مطالعه کند. اگر مسأله روشن نشده باشد، پژوهشگر باید هر پژوهشی را که در ارتباط با موضوع بررسی وجود دارد، به دقت واریسی کند تا ببیند تا چه اندازه برای هدف مورد نظر سودمند است و آیا پژوهشگران قبلی همان مسأله را تشخیص داده‌اند؟ چگونه سعی کرده‌اند آن را حل کنند؟ چه جنبه‌هایی از مسأله در تحقیقات آنها حل نشده باقیمانده است؟ سود جستن از اندیشه‌های دیگران به پژوهشگر کمک می‌کند مسائلی را روشن کند که ممکن است در یک طرح تحقیقاتی احتمالی مطرح گردد و روشهایی را که ممکن است در پژوهش به کار برده شود (گیدنز، ۱۳۸۶: ص ۹۲۵).

موضوع پژوهش در این تحقیق بررسی هویت ملی جوانان و تاثیر آن بر مشارکت سیاسی آنان است. با تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده است، تعداد پژوهش‌های انجام شده تحت عنوان

فوق بسیار محدود است در این بررسی تلاش می‌شود در حد امکان تعدادی از این نوع تحقیقاتی را که تا حدی به موضوع پژوهش ما مرتبط می‌شود بررسی شود. بدیهی است محقق در این کار مدعی آن نیست که کلیه فعالیتهای علمی پژوهشی موجود در این زمینه را ملاحظه کرده است. اما در حد امکان و تنها به منظور آشنایی مختصر خواننده سعی شده است تعدادی از منابع قابل دسترس را به عنوان نمونه‌ای از کارهایی که صورت گرفته است معرفی نماید. در ذیل سعی می‌شود کلیات لازم در ارتباط با مسئله هویت و مشارکت سیاسی تألیف شده است مورد معرفی قرار گیرد.

افسررزای فردر پایان نامه خود با عنوان «بررسی مفهوم هویت جمعی و جایگاه هویت ملی در شهر مشهد با تأکید بر تأثیر دو عامل، عامگرایی و عدالت توزیعی بر هویت جامعه‌ای(ملی)» به بررسی هویت جمعی و ملی پرداخته است. این پایان‌نامه با راهنمایی مسعود چلبی در دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۷۶ به انجام رسیده است. هدف این پایان نامه بررسی هویت ملی و ابعاد آن به عنوان نوعی از بعد جامعه‌شناختی است و همچنین به شناخت عوامل موثر بر هویت جمعی و تأثیر دو عامل عمده عام‌گرایی و عدالت توزیعی پرداخته شده است.

رزای فر تعاملات اجتماعی، عام‌گرایی، عدالت توزیعی، اقتدار مشروع نظام را چهار عامل اصلی تقویت‌کننده هویت ملی می‌داند و ارزشهای ملی، ارزشهای جامعه‌ای، ارزشهای انسانی و ارزشهای دینی عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی می‌داند.

چهارچوب نظری این پژوهش تلفیقی از نظریات تاجفل، پارسونز و هابرماس است. جامعه آماری مورد نظر مردم شهر مشهد است و نمونه تحقیق با توجه به جمعیت ۱۸ سال به بالا، نمونه ۳۰۳ نفر است و روش نمونه‌گیری او تصادفی سیستماتیک و به نسبت جمعیت هر منطقه تعیین شده است.

فرضیات تحقیق آیا میزان عامگرایی در احساس هویت ملی مؤثر است؟ آیا میزان احساس عدالت در هویت ملی مؤثر است؟ آیا بین ابعاد چهارگانه هویت ملی با یکدیگر رابطه است؟ هویت ملی نزد مردم مشهد چه میزان است؟

نتایج این تحقیق به قرار زیر است:

۱- تمام عناصری که تحت عنوان ارزش‌های چهارگانه (ملی، جامعه‌ای، انسانی و دینی) به عنوان اجزاء هویت ملی انتخاب شده‌اند، با سطح معنی دار ۱۰۰، از همبستگی بالا و قابل قبولی برخوردار می‌باشند. از بین عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی، ارزش‌های ملی دارای میانگین ۷۰/۴۶، ارزش‌های دینی ۸۷/۷۵، ارزش‌های جامعه‌ای ۷۷/۷۲، و ارزش‌های انسانی ۷۰/۰۲ می‌باشد.